خراسان روزنامه صبح ایران
یک‌شنبه ۲۶ شهریور ۱۳۹۶ . ۲۶ ذی الحجه ۱۴۳۸ . شماره ۱۹۶۳۶

فرامرز دعایی پس از سال‌ها
روی صحنه رفت

فرامرز دعایی پس از سال‌ها در کنسرت بزرگ گروه موسیقی فولکلوریک «سنت» خواند.
کنسرت فولکلوریک «سنت» روزهای ۲۱ و ۲۲ شهریور در سالن خاتم‌الانبیای رشت به روی صحنه رفت. در این کنسرت فرامرز دعایی، ستاره قدیمی موسیقی گیلان پس از سال‌ها به اجرا پرداخت. دعایی خواننده، ترانه‌سرا، آهنگ‌ساز و نوازنده موسیقی پاپ استان گیلان است که ترانه‌هایش را به زبان گیلکی اجرا می‌کند.

دعواهای ادبی نویسندگان بزرگ؛ از تنفر تا مشت!

داستان کنگر خوردن «هانس کریستین اندرسن» و لنگر انداختنش در خانه «چارلز دیکنز» و بعد قطع رابطه‌شان از ماجراهای معروف و جالب دنیای نویسنده‌هاست. چهره‌های مشهور دیگری هم بوده‌اند که از رابطه‌ای دوستانه به قطع رابطه، نامه‌هایی از سر دلخوری و حتی درگیری فیزیکی رسیده‌اند.

■ **هانس کریستین اندرسن و چارلز دیکنز**

به گزارش ایسنا، «گاردین» در گزارشی که به تازگی منتشر کرده است به جریان دوستی «هانس کریستین اندرسن» و «چارلز دیکنز»، که با رفتار عجیب نویسنده «جوجه اردک زشت» به سردی و دلخوری می‌گراید، پرداخته و سپس نمونه‌های دیگری را از نوع روابط نویسندگان مشهور شرح داده است.
اقامت چند هفته‌ای «اندرسن» در خانه نویسنده رمان «داستان دو شهر» به هیچ عنوان خوشایند نبود. این دیدار باعث از بین رفتن رابطه دوستی این دو شد؛ نامه‌ای که «دیکنز» با لحنی رک و حاکی از آزردگی نوشته و به تازگی در یک حراجی به فروش گذاشته شده، گواه این ماجراست.
نویسنده دانمارکی قصه‌های فولکلوری چون «بندانگشتی» و «پری دریایی کوچولو» در مارس ۱۸۵۷ اعلام کرد قصد دارد دو هفته از تابستان را در خانه «دیکنز» در کنت سپری کند. او در نامه‌ای که پیش از عزیمتش پست کرد، نوشت: فقط به خاطر تو می‌آیم. گذشته از این‌ها، همیشه گوشه‌ای کوچک از قلبت را برای من نگه دار.
بعد از این که دیدار پنج هفته‌ای «اندرسن» به پایان رسید، صاحب‌خانه نامه‌ای به «لرد جان راسل» - نخست‌وزیر اسبق انگلستان نوشت و اظهار کرد که نویسنده قصه‌های ماندگار ادبیات کودک جهان اصلا مهمان خوبی نبوده است.
او در این نامه با لحنی شکوه‌آمیز نوشته: او فرانسه را مثل «پیتر پسر وحشی» و انگلیسی را مثل کر و لال‌ها حرف می‌زد. او حتی نمی‌توانست اسم کتاب خودش (The Improvisatore) را به زبان ایتالیایی ادا کند و به نظر می‌رسد مترجمش اذعان داشته «اندرسن» به زبان دانمارکی هم نمی‌تواند حرف بزند.
این نامه مهم که در حراجی به قیمت ۴۶۰۰ پوند به فروش رسید، یکی از یادگاری‌هایی است که از نویسنده «الیور توئیست» و دیگر چهره‌های شاخص بریتانیایی همچون «جین آستین»، «چارلز دیکنز»، ملکه «ویکتوریا»، «ویلیام گلدستون»، «چارلز داروین» و «سر والتر اسکات» و... بر جای مانده و در این حراجی عرضه شد.
داستان آشنایی «دیکنز» و «اندرسن» به سال ۱۸۴۷ برمی‌گردد. این دو در یک مهمانی اشرافی آشنا می‌شوند و «اندرسن» به «دیکنز» و کارهای او ابراز علاقه می‌کند و او را «بزرگ‌ترین نویسنده تاریخ» می‌خواند. نامه‌نگاری‌ها و رد و بدل کردن کتاب بین این دو ادامه داشت تا این که در سال ۱۸۵۷، «اندرسن» تصمیم گرفت به کنت سفر کند.
اما آن روزها اصلا زمان مناسبی برای «دیکنز» محسوب نمی‌شد. نویسنده مشهور انگلیسی در آن دوران، در آستانه ترک همسرش بود، رمان سریالی‌اش «دوریت کوچولو» چندان مورد استقبال قرار نگرفته بود و به شدت درگیر اجرای نمایش «منجمد عمیق» نوشته «ویکی کالینز» و بازی در آن بود.
از دید «اندرسن» هم، خانه «دیکنز» سرد بود و او از این که کسی نبود صبح‌ها صورتش را اصلاح کند، ناراضی بود. اندکی بعد، حال و هوای خاص او، صاحبخانه را دلگیر و ناراحت کرد. «اندرسن» وقتی با نقدی منفی درباره یکی از کارهایش مواجه شد، گریه کرد. روزی هم که سرانجام در ۱۵ جولای خانه «دیکنز» را ترک کرد، اشک از چشمانش جاری شد.
اما «دیکنز» در عوض در آن روز، روی آینه اتاق مهمانش نوشت: هانس اندرسن پنج هفته در این اتاق خوابید که از دید خانواده ما یک قرن گذشت!

■ **مارکز و یوسا**

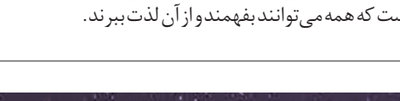

داستان دعوای گابریل گارسیا مارکز و ماریو بارگاس یوسا، دو نویسنده بزرگ آمریکای لاتین هم شهرت فراوانی دارد. این دو پیش از سال ۱۹۷۶ و جریان مشت معروف «یوسا» زیر چشم «گابو»، دوستان صمیمی بودند؛ اما آن چه در فرش قرمز اکران یک فیلم در مکزیکوسیتی رخ داد، باعث شد این دو نویسنده ۳۱ سال با هم حرف نزنند.
علت دعوای نویسنده «سور بز» با آقای «صد سال تنهایی» هرگز به درستی روشن نشد، اما گفته می‌شود چون همسر «یوسا» بعد از خیانت او، برای دردل کردن نزد «مارکز» رفته، او از این بابت عصبانی شده و مشت محکمی به چشم دوست صمیمی و همکار دیرینش کوبیده است.
گفته می‌شود «پاتریشیا» همسر دوم و دختر خاله «یوسا» بین این دو دوست نشسته بود که ناگهان نویسنده پرویی رو به «مارکز» گفت: «خائن!» و مشتی را با دست راست، پای چشم چپ او خواباند. در آن زمان، خالق «پاییز پدرسالار» ۴۸ ساله و صاحب مدال نوبل ادبیات بود و «یوسا» که ۹ سال از او کوچک‌تر بود، ۲۸ سال بعد موفق به دریافت این جایزه مهم بین‌المللی شد.
«گارسیا مارکز» که همیشه به ثبت لحظات مهم زندگی علاقه نشان می‌داد، پس از مشت خوردن از «یوسا»، از دوستی کلمبیایی خواست تا از چشم کبودش عکس بگیرد؛ تصویری که روی جلد مجله «لاجورنادا»ی مکزیک نقش بست.
اگرچه رابطه این دو دوست قدیمی پس از آن دعوای جنجالی به سردی و سکوت رسید، «یوسا» در مقاله مقدمه‌مانندی که به مناسبت چهلمین سالگرد انتشار «صد سال تنهایی» به چاپ رسید، نوشت: «صد سال تنهایی» یک رمان کامل و همگام با آثاری است که با جاه‌طلبی دیوانه‌وار خلق شده‌اند و واقعیت را شانه به شانه به رقابت می‌طلبند... این کتاب یکی از نمونه‌های نادر داستان معاصر است که همه می‌توانند بفهمند و از آن لذت ببرند.

یادی از جلال آل احمد در مشهد

هفتمین جلسه نشست شبی با بزرگان داستان با محوریت نقد و بررسی آثار جلال آل احمد در حوزه هنری خراسان رضوی برگزار شد. ابتدای برنامه بروشورهای زندگی‌نامه و فهرست آثار نویسنده در اختیار حاضران قرار گرفت و سپس حسین عباس‌زاده مجری و کارشناس برنامه به زندگی و عقاید نویسنده پرداخت. در ادامه شیما افهمی به معرفی آثار جلال پرداخت و درباره هر کدام توضیحات مختصری ارائه کرد. وی رمان‌های جلال را از لحاظ ساختار و شهرت طبقه‌بندی کرد و نگاه گذرایی به مجموعه داستان‌ها و رمان‌ها داشت. در ادامه مسیح عطایی به بررسی ویژگی‌های داستان‌های کوتاه جلال پرداخت. وی نگاه کامل‌تری به سه داستان داشت:
داستان «گلدسته‌ها و فلک» که از روایتی ساده و درون‌مایه قوی و چندلایه‌ای برخوردار بود، داستان دوم «سه تار» که با راوی سوم شخص روایت می‌شود، درون‌مایه این داستان فقر فرهنگی جامعه و تقابل دو قشر از جامعه را نشان می‌دهد و در پایان داستان «بچه مردم» که جلال در این داستان به طور بی‌رحمانه‌ای چهره فقر فرهنگی و اجتماعی آن دوره را به نمایش می‌گذارد، نمایش مردسالاری که در آن زمان بر جامعه حاکم بوده است.
در قسمت بعدی برنامه نسرین رجب پور به بررسی مهم‌ترین رمان جلال «مدیر مدرسه» پرداخت، مدیر مدرسه داستان مردی است که بعد از ۱۰ سال معلمی، برای به دست آوردن آرامش به مدیریت مدرسه‌ای کوچک در بیرون از شهر منصوب می‌شود اما گرفتار مشکلات دیگری می‌شود. مهم‌ترین ویژگی این رمان نوع ساختار آن است، شخصیت اصلی داستان که فردی منزه‌طلب است در پایان رمان خود را فردی بازنده و سرخورده می‌بیند، نثر این رمان ساده و لحنی عامیانه دارد، مدیر مدرسه شرحی است از مسیری که طی آن مدیر از آرمان‌گرایی به انفعال و تسلیم می‌رسد.
در ادامه رئوفه باقری رمان دیگری از جلال را با نام «سنگی بر گوری» بررسی کرد. آل احمد این داستان را با ۲۷۰۰ کلمه در اوج ایجاز و زیبایی، یک رمان کوتاه می‌داند این داستان یک داستان درون‌گراست. راوی و همسرش بچه‌ای ندارند و همین باعث مسائل و مشکلاتی در این راستا می‌شود، این داستان به گونه‌ای زندگی خود جلال و سیمین را روایت می‌کند.
در بخش مهمان، دکتر ترکمن نیا نگاه جامعی به داستان «لاک صورتی» داشت، وی در شروع صحبت‌های خود علت انتخاب این داستان را علاقه سیمین به این داستان و همچنین خواندن و بررسی داستانی متفاوت دانست و سپس خلاصه‌ای از داستان را بیان کرد و به بررسی آن پرداخت. ترکمن نیا داستان لاک صورتی را در کنار داستان‌های دیگری که جلال درباره زنان نوشته بود قرار داد و اشتراک آن‌ها را در اسارت زنان در چارچوب سنتی مردسالاری و ظلم، باور به خرافات و نادانی دانست که در بیشتر داستان‌ها زنان نتوانستند در پایان داستان قدم از این چارچوب بیرون بگذارند. همچنین وی کلیه آثار جلال را از اولین مجموعه یعنی دیدوبازدید تا آثار آخر با توجه به دوره‌ها و نقاط عطف زندگی جلال آل احمد و دغدغه‌ها و فعالیت‌های وی بررسی کرد.

ناگهانِ شعر

محسن نیک آیین

■ ۱
شکوفه درخت بادام بود
با لبخندی آمد
با لبخندی گذشت
سایه‌ای شد بر شیشه کبود
انگار عشق را با قطره چکان
به ما دادند

■ ۲
ساعت‌ها کنار هم عکس می‌گیریم
انگار آدم‌ها می‌دانند
شبی می‌آید
که صبح ندارد
و باید با عکس‌ها حرف زد
ولوم اسپیکر را تا ته چرخاند
بلند زد زیر گریه
ای یادت از مگس سمج‌تر
خنده‌ات کو؟
شب‌هایی هست

■ ۳
مسخره است
یک اسپرسو
یا شیاری که هواپیما از خودش جا می‌گذارد
در آسمان
داغ آدم را تازه می‌کند
مسخره است
اما هست

■ ۴
دنیا را پذیرفته‌ام
مثل لباس کارم
که باید سرمه‌ای باشد
زندگی می‌گذرد
در سطح، اتفاق می‌افتد
در عمق، تنها رفتار کرم خاکی مهم است

■ ۵
آن سال‌ها
دیوارها لخت بودند
افسردگی از آن سوی خیابان دیده می‌شد
اما حالا دیوارها لباس می‌پوشند
گلدار
سنتی
اسپورت
رنگ‌ها در دراعمیق ترمی‌کنند
باید از کنارشان گذشت
مثل مادرم بعد از سرطان
بعد از گم کردن موهاش

پیک خبر

«سلام بر ابراهیم» به چاپ صد و هفدهم رسید

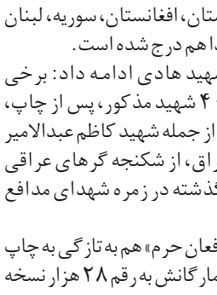

مسئول گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی از عرضه چاپ صد و هفدهم کتاب «سلام بر ابراهیم» درباره زندگی شهید ابراهیم هادی خبر داد.
محسن عمادی مسئول گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی در گفت‌وگو با مهر، گفت: جلد دوم «سلام بر ابراهیم» هم که سال گذشته رونمایی و منتشر شد، به تازگی به چاپ چهاردهم رسیده است. دو مجلد مذکور زندگی‌نامه و خاطرات دوستان، خانواده و همرزمان شهید هادی را در بر می‌گیرد. این شهید یکی از شهدای جاویدالاثر دوران دفاع مقدس است که به دلیل سیره و اخلاق خوشی که داشته، مورد توجه است.
مسئول گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی در ادامه گفت: از ابتدای چاپ جلد اول، این جلد تا به حال با مجموع شمارگان ۶۸۵ هزار نسخه عرضه شده و جلد دوم هم طی ۶ ماه که از چاپش گذشت، به شمارگان ۱۰۰ هزار نسخه رسید.
عمادی در پاسخ به سوالی درباره خرید کتاب‌های «سلام بر ابراهیم» و جلد دومش، گفت: بیشتر، پخشی‌ها هستند که این کتاب را می‌خرند و خیلی از آن‌ها هم از مراکز مستقر در خیابان انقلاب‌اند. این کتاب تقریبا هفته‌ای ۲ تا ۳ هزار نسخه فروش دارد.
وی همچنین از تجدید چاپ یک اثر دیگر این گروه فرهنگی خبر داد و گفت: کتاب دیگری که به تازگی تجدید چاپ کرده‌ایم، «مدافعان حرم» است که چاپ اولش مربوط به سال ۹۳ و زمانی است که خیلی‌ها جرئت نمی‌کردند از مدافعان حرم بگویند. در این کتاب، زندگی‌نامه حضرت زینب (س) را ۴۰ قسمت کرده‌ایم و به موازات این زندگی‌نامه، داستان زندگی ۴۰ شهید مدافع حرم از ایران، پاکستان، افغانستان، سوریه، لبنان و کشورهای آفریقا و کانادا هم درج شده است.
مسئول گروه فرهنگی شهید هادی ادامه داد: برخی از ماجراهای مربوط به ۴۰ شهید مذکور، پس از چاپ، انعکاس زیادی پیدا کرد؛ از جمله شهید کاظم عبدالامیر که زمان جنگ ایران و عراق، از شکنجه‌گرهای عراقی بود ولی طی سال‌های گذشته در زمره شهدای مدافع حرم قرار گرفت.
عمادی گفت: کتاب «مدافعان حرم» هم به تازگی به چاپ ششم رسیده و مجموع شمارگانش به رقم ۲۸ هزار نسخه رسیده است.